

نکاتی پیرامون تربیت شنوایی کودکان

امیرعباس ابراهیمی / کارشناس ارشد شنوایی شناسی

چکیده

شکل دهی گروه‌های ویژه‌ی تربیت شنوایی با جلسه‌های منظم روزانه مطلوب است، هرچند تمرین گوش دادن کودک به این جلسه‌ها محدود نمی‌شود. به جای آن، تجربه‌ی شنوایی باید در سراسر روز به عنوان بخشی از آموزش کلاسی و ارتباط کلامی تدارک دیده شود. به علاوه درمانگر باید توازن مناسبی بین آموزش دیداری/ شنیداری (برای ارائه‌ی مفاهیم تازه و گنجینه‌ی واژگان) و تمرین شنیداری (برای رشد توانایی‌های گوش دادن کودک) فراهم کند. سرانجام، کارآمدی تربیت شنوایی می‌تواند با حفظ محیطی انعطاف‌پذیر، خلاق و همکارانه افزایش یابد. برای رسیدن به بیشترین موفقیت و بنابراین به دست آوردن بیشترین دلخوشی از رشد شنیداری (برای درمانگر و کودک) مهم است نیازها، علائق، توانایی‌ها و محدودیت‌های کودک را هنگام برقراری ارتباط به یاد داشته باشید

تربیت شنوایی فردی یا گروهی

پیام گفتاری تقویت شده‌ای که کودک دریافت می‌کند افزایش می‌یابد. این نزدیکی به درمانگر اجازه می‌دهد اشیاء نزدیک کودک را دستکاری کند و کودک را در دادن پاسخ‌های خاص راهنمایی کند. در جلسه‌ای با یک کودک، حل مشکلات پیچیده‌ی شنیداری که تشخیص و یا برطرف شدن آنها ممکن است هفته‌ها وقت ببرد، امکان‌پذیر است (شکل ۱).



شکل ۱: جلسه‌ی تربیت شنوایی فردی.

بیشتر برنامه‌های توان‌بخشی شنوایی موفق حول مفهوم تماس نزدیک شخصی بین درمانگر و کودک دارای آسیب شنوایی سازمان یافته‌اند. بیشتر آموزگاران این روش را ترجیح می‌دهند چون به آنها اجازه می‌دهد برای مدت زمانی طولانی مدت به کودک توجه کنند و بدون نگرانی از قطع شدن‌های ناشی از برنامه‌ی کلاسی یا توسط کودکان دیگر برای حل مشکل خاص شنیدن هر اندازه لازم باشد وقت صرف کنند. به علاوه ممکن است طراحی جلسات تربیت شنوایی فردی آسان‌تر باشد. به ویژه مواد و فعالیت‌ها می‌توانند برای علاقه و نیازهای هر کودک گردآوری و نوشته شوند. با وجود تنها یک کودک در اتاق با درمانگر، محیط اطراف معمولاً آرام و نسبتاً فاقد عوامل پرت‌کننده حواس خواهد بود. در خلال این جلسات فردی به دلیل اینکه کودک دقیقاً در طرف دیگر میز است معمولاً جلب توجه و حفظ توجه او آسان است. در این فاصله نسبت محرک به نوفه^۱ بهبود می‌یابد. به این معنا که کیفیت

مطلوب آن است که کمینه‌ی شرکت کنندگان در برنامه‌ی توان‌بخشی گروهی تقریباً ۵ نفر و حداکثر از ۱۱ نفر بیشتر نباشند. در عمل بیشتر درمانگران بین آموزش گروهی و فردی حد وسط را در نظر می‌گیرند و تربیت شنوایی را در گروه‌های کوچک دو یا سه نفره ترتیب می‌دهند. این بینایی به آنها اجازه می‌دهد هم به هر کودک به طور انفرادی توجه کنند و هم در صورت تمایل گفتگوی تعاملی انجام دهند. همچنین موجب سکوت معقول و جلوگیری از پرت شدن حواس حین جلسه می‌شود. گروه باید شامل کودکانی با مهارت‌های عملی مشابهی باشد و به جای اینکه کاملاً بر اساس ویژگی‌های شنوایی سنجی کودکان شکل بگیرد شامل کودکانی باشد که در اهداف برنامه‌ی توان‌بخشی با یکدیگر هماهنگ هستند. توصیه بر این است کودکانی که به لحاظ شناختی سالم نیستند، در برقراری ارتباط با زبانی که گروه برای آن شکل گرفته با مشکل روبرو هستند، یا در گروه رفتارهای اخلاک‌گرانه نشان می‌دهند نباید در برنامه‌های مداخله‌ی گروهی شرکت داده شوند و برنامه‌های فردی برای چنین کودکانی مناسب‌تر است. مدت و طول جلسات برنامه‌های تربیت شنوایی فردی و گروهی متفاوت است و معمولاً هفته‌ای یک یا دوبار برگزار می‌شود، با اختصاص دادن تمرین‌هایی برای خانه که در فاصله‌ی زمانی بین جلسه‌ها باید انجام شوند. در برنامه‌ای که مرکب از آموزش تحلیلی، ترکیبی و آموزش مدیریت برقراری ارتباط است بخش تحلیلی برنامه به ندرت بیش از ۲۵٪ کل زمان جلسه را در بر خواهد گرفت. جلسات فشرده‌ی برنامه‌های مداخله‌ی گروهی نیز ممکن است برگزار شوند. در این حالت، جلسه‌ها ممکن است شامل چند فعالیت آموزشی ۴۵ تا ۶۰ دقیقه‌ای باشد که با زمان‌هایی که برای استراحت در نظر گرفته شده جدا می‌شوند. چنانچه درمانگر برای هر

در مقایسه با تربیت شنوایی فردی، بسیاری از درمانگران، درمانگاه‌ها و مراکز آموزشی ترجیح می‌دهند کودکان را در گروه‌ها سازماندهی کنند تا به صورت فردی. نخست، آن که فراهم کردن آموزش‌های انفرادی برای مدت زمان طولانی روش آموزشی پرهزینه‌ای است و ممکن است فراتر از توانایی مالی بسیاری از مراکز ارائه‌کننده‌ی خدمات توان‌بخشی عمومی باشد. برنامه‌های مداخله‌ی گروهی از نظر زمانی نیز با صرفه‌ترند چرا که چندین کودک خدمات را یکباره دریافت می‌کنند. دوم آنکه، آموزش‌های فشرده‌ی تکنفره می‌توانند برای درمانگر و کودک خسته‌کننده باشند. هنگام آموزش گروهی، کودکان حس همکاری، اهمیت آرام بودن وقتی کودک دیگری در حال گوش دادن است و چگونگی رفتار اجتماعی ضمن گفتگوی گروهی (مثلاً، رعایت نوبت صحبت) را می‌آموزند. در یک بحث گروهی، کودکان می‌توانند با پیشنهاد دادن، تشویق یا ترغیب یکدیگر به حرف زدن (که ممکن است اگر تنها به وسیله‌ی درمانگر انجام شود انگیزشی نباشد) و ارائه‌ی راهبرد به یکدیگر کمک کنند. همچنین برنامه‌های مداخله‌ی گروهی برای شرکت کنندگان فرصتی فراهم می‌کنند تا مهارت‌های ارتباطی‌شان را در محیط واقعی‌تر (البته تا حدی کنترل شده و مطمئن‌تر) محک بزنند. متون روان‌شناسی نشان داده‌اند که برنامه‌های مداخله‌ی گروهی روش کارآمدی برای بازسازی تصویر ذهنی فرد از خود هستند. گروه به شرکت کنندگان کمک می‌کند تشخیص دهند که آنها تنها افرادی نیستند که ناتوانی‌های شنوایی خاصی دارند و اینکه موقعیت‌شان منحصر بفرد نیست. در کل، برنامه‌های توان‌بخشی فردی برای آموزش مهارت‌های تحلیلی بسیار مناسبند. از سوی دیگر برنامه‌های مداخله‌ی گروهی برای تمرین مهارت‌های مدیریت برقراری ارتباط، مناسب‌ترین هستند.

را بدون نگرانی از فشارهای دیگر (همچون حفظ توازن بین فعالیت های گوش دادن آسان و دشوار برای کودکان دارای ظرفیت های شنوایی متفاوت) دارد. همچنین اگر گروه همسان تازه شکل گرفته در زمان های خاصی (مثلاً، یکبار روز) دورهم جمع شوند توجه مربی می تواند بر بهبود توانایی های شنیداری کودکان، بدون نگرانی دائم درباره فهم پیام های گفته شده متمرکز شود. مواد تازه به منظور تقویت و به حداکثر رساندن انتقال اطلاعات می توانند از راه ارائه ی دیداری / شنیداری خارج از دوره ی تربیت شنوایی ارائه شوند.

مدت و طول جلسات

برنامه های تربیت شنوایی فردی و گروهی متفاوت است و معمولاً هفته ای یک یا دو بار برگزار می شود، با اختصاص دادن تمرین هایی برای خانه که در فاصله ی زمانی بین جلسات باید انجام شوند

از سوی دیگر برای گروه بندی مجدد کودکان لازم است که همگی آموزگاران و مدیران آموزشگاه کمک کنند و زمان چشمگیری را از ساعت کلاس برای طراحی، برنامه ریزی، مرور و بکارگیری آزمون دقیق امتیاز غربالگری درک گفتار و مشاهده های فردی اختصاص دهند. تمام کارکنان باید همکاری کنند و انعطاف پذیر باشند. شکل دادن تعداد معقولی گروه یکدست اگر ممکن نباشد، دشوار است چرا که کودکان کمی در حقیقت مشابه یکدیگرند. در شکل دهی گروه ها هرگاه ممکن باشد عوامل دیگری به جز ظرفیت شنوایی کودک، همچون سن، رفتار کلی، بالندگی، توانایی بینایی، سطح زبان، سازگاری با دیگر کودکان، سازگاری با درمانگر، سطح آموزش و وضعیت اجتماعی /

تمرین از کاربرگه استفاده کند پیشرفت کودکان نیز آسان تر پیش می شود.

گروه بندی ویژه برای تربیت شنوایی

در بیشتر آموزشگاه ها و کلاس های دانش آموزان دارای آسیب شنوایی، گروه های یادگیری براساس سن و عملکرد زبانی کودکان (زبان درکی، خواندن و زبان بیانی) شکل گرفته اند. نوعاً هنگامی که کودکان بر این اساس گروه بندی می شوند نگرانی خاصی درباره ی روش مورد استفاده ی کودک از حواسش برای به دست آوردن اطلاعات گفتاری (زبان گفتاری) وجود ندارد. به همین دلیل بسیاری از کلاس ها، شامل کودکان دارای آسیب شنوایی با گستره ی وسیعی از توانایی های شنیداری است. از آنجا که در این حالت، کودکان خاصی ممکن است به طور چشمگیری بهتر از دیگران بشنوند انجام جلسات تربیت شنوایی گروهی می تواند بسیار دشوار باشد. در نتیجه، دست کم از منظر اهداف تربیت شنوایی، بسیاری از درمانگران دسته بندی کلاس ها را بر اساس توانایی های شنیداری کودکان پیشنهاد کرده اند. نتایج آزمون غربالگری درک گفتار می تواند کمک کند کدام دانش آموزان باهم دسته بندی شوند. در رابطه با این نظر، دلایل بیشتری را برای شکل دهی گروه های تربیت شنوایی پیشنهاد شده است. نخست اگر تمام کودکان در کلاس، توانایی شنوایی مشابهی داشته باشند رشد راهبردهای تربیت شنوایی کارآمد آسان تر خواهد بود. در جایی که همانندی گروهی وجود دارد بین کودکان تمایل کمتری بر رقابت آشکار وجود دارد که شنوایی کدامیک بهترین است و بنابراین، رفتارهای مخرب کمتری از آنها که دارای ضعیف ترین شنوایی هستند پدیدار میشود. به علاوه آموزگار شانس رشد مهارت های فردی تربیت شنوایی

مهارت‌های گوناگون تربیت شنوایی در هر آموزگار رشد پیدا می‌کند که می‌تواند آن‌ها را در زمان‌های دیگری از روز با کلاس درس خود ترکیب کند. هر آموزگاره، کلاس یا درمانگاه باید گروه‌بندی خودش را بر طبق کودکان و کارکنان موجود ترتیب دهد.

آموزش تک‌حسی در برابر چندحسی

پژوهش‌های آزمایشگاهی و تجربه‌های بالینی نشان داده‌اند تقریباً تمام افراد دچار کم‌شنوایی در همان هنگام گوش دادن با سمعک (یا کاشت حلزونی)، گفتار را با لبخوانی مطلوب‌تر می‌فهمند. از این رو، وقتی هدف از گفتار (در خانه یا کلاس درس) تبادل اطلاعات مهم است، توجه همزمان به اطلاعات دیداری/شنیداری بهترین شیوهی تضمین درک درست پیام است. برای مثال، اگر والدی بخواهد برای نخستین بار به کودک دارای آسیب شنوایی‌اش توضیح دهد چگونه تخم کدو حلوانی را بکارد احتمالاً باید این کار را از راه ارتباط دیداری/شنیداری انجام دهد، بنابراین کودک می‌تواند بهترین فرصت را برای درک آموزش‌های پیچیده و واژگان تازه داشته باشد.

وجود، وقتی هدف فراهم کردن تمرین‌های ویژه‌ی رشد مهارتی مهم درکی برای کودک جهت ارتباط گفتاری است، تمرکز تلاش بر هر روش حسی به تنهایی می‌تواند بسیار سودمند باشد. علیرغم اینکه بیشتر آسیب دیدگان شنوایی هنگام برقراری ارتباط معمولاً از شنوایی همراه بینایی استفاده می‌کنند و علیرغم اینکه اطلاعات صوتی برای بسیاری از افراد با آسیب جدی شنوایی ناکافی است، این موضوع درست است. در حقیقت، اگر دهانتان را پوشانید و مواد را مجزا از سرخ‌های دیداری گفتار که به‌طور طبیعی همراه آن است، ارائه کنید اغلب جلب توجه کودک دارای آسیب

اقتصادی را باید در نظر گرفت. این کار این اطمینان را ایجاد می‌کند که بحث‌های انجام شده در گروه یکدست‌تر و به مصلحت تمام اعضای گروه خواهد بود. همچنین پس از شکل‌گیری وابستگی هیجانی قوی به آموزگار عادی، محول کردن کار به آموزگار تربیت شنوایی غریبه برای هر خردسالی ممکن است ناراحت‌کننده باشد. شاید دشوارترین مشکل آن باشد که آموزگار تربیت‌شنوایی ممکن است به دلیل دانش ناکامل در فعالیت‌هایی که هر کودک در کلاس عادی تجربه می‌کند در ساخت تمرین‌ها یا مواد مرتبط با گوش دادن برای گروه با مشکل مواجه باشد. این موضوع گاهی اوقات موجب می‌شود آموزگار و کودک با مواد آموزشی که برای هر دو جذابیتی ندارند تمرین کنند. پس از گروه‌بندی ممکن است آموزگار عادی احساس کند در آن بخش‌های روز، تمام تمرین‌های لازم برای تربیت شنوایی به وسیله‌ی آموزگار تربیت‌شنوایی انجام شده و نیاز کمی وجود دارد تا او در ساعات دیگر روز تلاش زیادی برای تمرین‌های گوش دادن معطوف کند. آشکارا بحث‌های مثبت و منفی به قوت خود باقی است. هنگامی که یک مرکز آموزشی عدم گروه‌بندی را انتخاب کند و اگر تمرین گوش دادن برای زمان خاصی در روز برنامه‌ریزی نشده باشد، ممکن است برخی آموزگاران از انجام تربیت‌شنوایی در فعالیت‌های روزانه غفلت کنند. این وضع زمانی رخ می‌دهد که آنها آموزگاران تازه‌کار، با اعتماد بنفس کم و اساساً نگران مدیریت رفتار کلاسی و فراهم‌سازی اطلاعات محتوایی برای کودکان باشند. از سوی دیگر اگر گروه‌بندی به عنوان راهبرد انتخاب شود، آموزگار ممکن است مایل باشد نظر کارشناس تربیت‌شنوایی را تنها با گروه (نوع) خاصی از کودکان کامل کند. بنابراین وقتی گروه‌ها شکل گرفتند چرخش گروه‌ها می‌تواند ارزشمند باشد، بنابراین

پشتیبانان روش دیداری / شنیداری فقط هنگام موفقیت اطمینان بخش شنیداری کودک اغلب از فعالیت‌های خاص گوش دادن استفاده می‌کنند.

اتخاذ آگاهانه نگرش تجربی و درجه انعطاف‌پذیری به سمت استفاده از ارتباط صرفاً شنیداری (یا روشی سازش‌پذیر) خردمندانه به نظر می‌رسد، یعنی فراهم کردن فرصت‌های گوش دادن در خلال روز هر گاه ممکن باشد و ملزم کردن کودک به گوش دادن بخشی از آنچه می‌گویید. با این وجود، اگر برای دوره‌های طولانی، گوش دادن صرف برای کودک بیش از اندازه دشوار است یا در برقراری ارتباط تداخل ایجاد می‌کند، مایل باشید روش صوتی‌تان را با فراهم کردن نسبت بیشتری از سرخ‌های دیداری بهبود ببخشید. از سوی دیگر، اگر کشف کردید که کودک تقریباً همه چیز را با گوش دادن تنها می‌فهمد، بکوشید مدت زمان بیشتری با دهان پوشیده صحبت کنید. در هر حال نباید از نظر دور داشت که بیشتر کودکان دارای آسیب شنوایی بیشتر ساعات روز را در محیط چند حسی زندگی می‌کنند و بدون توجه به کم شنوایی، این موضوع احتمالاً بهترین شرایط یادگیری کل زبان است. از این رو لازم است بر روش‌هایی که کودکان بتوانند توانایی‌های دیداری / شنیداری خود را رشد دهند، تمرکز نمود.



شکل ۲: استفاده از روش تک حسی هنگام تربیت شنوایی

شنوایی به سمت ویژگی‌های صوتی واژه‌ها یا عبارات‌ها آسان‌تر خواهد بود و البته اگر کودک مایل به بهبود ارتباط تلفنی باشد باید درک صرفاً شنیداری را تمرین کند. هنگام انجام تربیت شنوایی در آموزش نوزادان و خردسالان دارای آسیب شنوایی، این پرسش که آیا از روش صرفاً شنیداری استفاده کنیم (شکل ۲) یا از روش دیداری / شنیداری مشکل ساز است. آشکار است تمام کودکان در خلال رشدشان تداعی‌های دیداری / شنیداری بسیاری (مانند، سگ و صدای پارس کردن یا ماشین آتش‌نشانی و صدای آژیر آن) را با تکرار تقویت این تداعی‌ها باید برقرار کنند، بنابراین صداهای هر روزه معنادار می‌شوند. نگرانی امروز ما این است که آیا بینایی را هنگام ارتباط گفتاری با کودک کنار بگذاریم (روش تک‌حسی^۲) یا اجازه دهیم کودک هنگام گوش دادن به صدایمان لبخوانی کند (روش چندحسی^۳). آنهایی که از روش تک حسی جانبداری می‌کنند حس می‌کنند اگر نوزادی با کم شنوایی چشمگیر تشویق شود تا از بینایی‌اش برای توجه به چهره‌ی گوینده استفاده کند ممکن است هرگز به خود زحمت توجه به آن سرخ‌های صوتی که در کشان دشوار است و آموختن استفاده از آنها را ندهد. آنهایی که از روش چند حسی پشتیبانی می‌کنند بر این باورند که به کودک باید اجازه داد تا پردازش دوحسی (بینایی و شنوایی) را برای برقراری ارتباط (با استفاده از هر آنچه اطلاعات گفتاری که در هر حس موجود است) رشد دهد.

مقایسه‌ی مستقیم بین روش‌های تک‌حسی و چندحسی دشوار است، چون کاربرد خشک و مقرراتی هر روش بندرت انجام می‌شود. آموزگاران که روش‌های صرفاً شنیداری را ترجیح می‌دهند تمایل دارند هر گاه کودک در دریافت صوتی گفتار با مشکل روبرو شد محرک را به طور دیداری / شنیداری ارائه کنند، در حالی که

پیاده کردن یادگیری شنیداری

هدف از پیشنهادها زیر شکل دادن کتاب آشپزی برای رشد برنامه‌ی یادگیری شنیداری از آغاز تا پایان نیست. روش کتاب آشپزی در رویارویی با نیازهای گوناگون کودکان دارای آسیب شنوایی مدرسه رو شکست می‌خورد. به جای آن چهار چوبی‌هایی برای آسان کردن طراحی برنامه ارائه شده است:

✓ یادگیری شنیداری را ارزیابی کنید: هر برنامه‌ی یادگیری شنیداری با ارزیابی آغاز می‌شود. ارزیابی یادگیری شنیداری اطلاعاتی درخصوص سطح جاری دانش آموز فراهم می‌کند، هدف‌های آموزشی را تعیین می‌کند و اگر ارزیابی در طول زمان انجام شده باشد پیشرفت را مستند می‌کند. انتخاب هر ابزار ارزیابی با سطح مهارت هدف‌گذاری شده، ویژگی‌های صوتی جنبه‌ی زبانی که فرد مایل است بررسی کند و سطح توانایی پیشگویی که از دانش آموز انتظار می‌رود بتواند با آن سازگار شود، تعیین می‌شود. ارزیابی بدون تعیین سطح زبان در کی و بیانی کودک ناکامل است.

✓ هدف‌های یادگیری را مشخص کنید: در نظر بگیرید مهارت ادراکی هدف یادگیری و شکل و محتوای زبان، محرک مداخله باشند. محتوای آموزشی همچنین محرک‌های مورد استفاده برای دانش آموزان را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. چنانچه کودک در حال فراگیری زبان یا محتوای آموزشی تازه باشند درمانگر می‌تواند به مهارت شنیداری پیشتر رشد کرده بازگردد.

✓ برای تحریک طرح‌ریزی کنید: رشد مهارت‌های گوش دادن پیش از مشاهده‌ی برون داد مشابه از کودک نیازمند درون داده‌های بشماری است. دوره‌ی تحریک اغلب حتی برای سطوح بالاتر مهارت گوش دادن لازمست. گنجاندن مرحله‌ی تحریک در آموزش نیازمند سرخ‌گیری همزمان هدف‌های جاری و آتی است،

بنابراین تحریک بر اساس پیشرفت تدریجی آماده شده.

✓ رهنمودهای موجود در محیط اجتماعی آموزش زبان را در نظر بگیرید: (۱) علاقه‌ی کودک را دنبال کنید، (۲) مثال‌هایی آماده کنید که به طور طبیعی رخ می‌دهند، (۳) آشکارا به تقلید یا پاسخ کودک کمک کنید، (۴) دوره‌ی آموزش را در تعاملات جاری جای دهید، (۵) تعمیم را با استفاده از رویارویی‌های چند جانبه در چندین بافت محاوره‌ای برنامه ریزی کنید.

✓ از پیش درآمد زبانی استفاده کنید: پیش از اینکه فعالیت‌های ارائه شود آن را برای کودک توضیح دهید، بنابراین کودک نخست به زبان گفتاری گوش می‌کند و از راه فعالیت این زبان را تکرار می‌کند.

✓ برای هر هدف یادگیری، گزینه‌های پاسخ و تجربه‌های یادگیری گوناگونی فراهم کنید: این کار موجب سازگاری راهبردهای گوناگون در کی (که ممکن است به وسیله‌ی نوآموز به کار روند) می‌شود. در صورت لزوم رشد راهبردهای کامل درک را هدف‌گذاری کنید.

✓ مثال‌های غیرمعمول^۴ بزنید: برهم زدن روال معمول^۵ مقدمه‌ای بر شکل‌گیری ساختارهای تازه‌ی دانش است. فعالیت‌هایی که به نتایج مورد انتظار نمی‌انجامند موجب برهم زدن تعادل می‌شوند و در کودک این انتظار را پیش می‌آورند که در آنچه شنیده، مقداری عدم پیش‌بینی پذیرد و وجود خواهد داشت.

✓ یادگیری فعال و تعاملی است: کودک باید با آنچه شنیده کنشی انجام دهد.

✓ محتوا و روند را یکپارچه کنید: هنگامی آموزش محتوای حیطه‌های موضوع تحصیلی روند گوش دادن را یکپارچه کنید.

✓ تمرین‌های گوش دادن شنیداری را در راستای سطح زبانی، واحد زبانی و محدودیت پاسخ طراحی کنید: بر طبق عملکرد کودک، رشد مهارت شنیداری را در این

شنوایی شوند. به جای آن با ادامه ی آموزش، انتظارات واقعی در مورد میزان یادگیری و سطح پایانی باید شکل بگیرند.

تذکرات مهم

نوفه ی آزارنده: کودکان بیشترین سودمندی از تربیت شنوایی را زمانی به دست می آورند که گوش دادن را در محیط آرام تمرین کنند. کودکان دارای آسیب شنوایی برای برقراری ارتباط مناسب نیازمند محیط های آرام هستند. هرچه آسیب شنوایی کودک بیشتر باشد، محیط گوش دادن باید آرام تر باشد. کودکان می توانند آرام، ساکت و همکاری کننده باشند یا شلوغ و آشوبگر بوده و در بیشتر صداهای ناخواسته ی کلاس دست داشته باشند. سطح نوفه ی کودکان به طور چشمگیری به عنوان تابعی از گروه بندی کلاسی و ساعات روز نوسان خواهد داشت.

چگونه می توانید کودک دارای آسیب شنوایی را به آرام کار کردن تشویق کنید؟ برخی آگاه نیستند چقدر می توانند پر سر و صدا و آشوبگر باشند. باید به آنها نشان دهید چگونه صدای خود را پایش کنند و چگونه خود را آرام نگهدارند. به علاوه می توانید: تمرین های هدفمندی آماده کنید تا کودکان را کاملاً سرگرم کنید، به روش هایی برای ملزم کردن کودکان به گفتگوی آرام بپندیشید، تکنیک های مدیریت رفتار را برای کنترل شخصی خود بر گروه گسترش دهید و ارتباط گروهی را تشویق نمایید.

به علاوه باید تشخیص دهید بیشتر اشیا یی که ممکن است کودک به کلاس آورد (خط کش، کتاب، مداد) اگر به میز یا صندلی کوبیده شوند نوفه ایجاد خواهند کرد و بنابراین موجب پرت شدن حواس می شوند. از کودکان بخواهید هنگام ورود وسایل شان را

سطوح هدف گذاری کنید. به جای حذف مهارت ها، آنها را اضافه کنید.

✓ وقتی کودک در یک مهارت خبرگی به دست آورد، فرصت هایی برای تقویت و تعمیم آن فراهم کنید.

✓ با آهنگ مناسب پیش روید: هدف ها و فعالیت ها باید در سطوح گوناگون خبرگی مهارت توزیع شوند.

✓ گوش دادن فعالیتی درونی است که مستقیماً نمی توان آن را سنجید: برخی تکالیف را در چهارچوب محرک/ پاسخ بگنجانید، بنابراین آموزش پاسخی ویژه از هر فعالیت استخراج خواهد کرد و عملکرد می تواند پایش شود. این موضوع را با ارزیابی کردن اشتباه نکنید. ممکن است ضروری باشد پاسخ را آموزش داده و پیش از آنکه عملکرد مشاهده شود به کودک تجربه ی پاسخ درست را انتقال دهید.

✓ کودک را برای پذیرش مسئولیت ارتباط موفق آماده کنید: در جلسه ی درمان قطع ارتباط را مجاز بدانید و کودک را در جبران و پیشگیری از آن راهنمایی کنید.

✓ عوامل مؤثر بر عملکرد را شناسایی کنید و این عوامل را در انتظار از عملکرد مد نظر قرار دهید.



عکس از: زیبا مهروی

ویژگی های کودک همچون مقدار کم شنوایی یا سن شناسایی که ممکن است دستیابی به اهداف یادگیری را آهسته کنند نباید مانعی برای برنامه ی تربیت

آموزش برای تغییر آهنگ، فعالیت‌های گوش دادن ساده‌ای را ارائه کنید، یا فقط به کودک اجازه دهید موفقیت را بدون تلاش فراوان تجربه کند.

اندرز صوتی: خیلی زود از ارتباط شنیداری دست نکشید. اگر با دهان پوشیده پرسشی را مطرح کردید و کودک نتوانست پاسخ دهد، بیدرنگ دهان تان را آشکار نکنید. با تکرار ساده و تأکید روی واژه‌ای خاص یا با کمک گرفتن از واژه‌های اضافی بازهم امتحان کنید. سرانجام ممکن است اجازه دهید کودک واژه‌های کلیدی مشخصی را لبخوانی کند، اما پیش از این چندین بار با دهان پوشیده امتحان کنید.

گوش دادن گروهی: از بازی‌های رقابتی گوش دادن گروهی که در آنها توانایی شنوایی یک کودک در مقابل دیگران مقایسه می‌شود، پرهیزید. به این معنا که محرک صوتی را به گروه ارائه نکنید و سپس بپرسید چه کسی پاسخ را می‌داند؟ معمولاً نتیجه غریب مشتاقانه‌ای خواهد بود. به جای آن هر بار از کودکی بخواهید کنار شما در جلوی کلاس بنشیند و سپس تمرین (گزینه‌ها و مواد تصویری روی تخته سیاه) را مستقیماً در پیش دیدگان دیگران ارائه کنید. هر بار، از دیگران بپرسید آیا کودک به درستی پاسخ داده یا خیر. در جلسه به هر کودک نوبتی دهید. این روش از محیط رقابتی جلوگیری می‌کند و کودک منتخب را نیز برای گوش دادن دقیق نزدیک شما می‌آورد.

آغاز و انجام

بکوشید فعالیت‌های گوش دادن بین جلسه‌ای و درون جلسه‌ای را تغییر دهید. بنابراین، شما و کودک علاقمند و متوجه باقی می‌مانید. ممکن است بتوانید تمام فعالیت‌ها را به موضوع ویژه‌ای مربوط کنید. برای مثال، جانوران، آب و هوا یا غذاهای مورد علاقه. به علاوه:

در گوشه‌ای از اتاق قرار دهند و در آرام ساختن اتاق به شما کمک کنند.

بیش از اندازه از پیش طراحی نکنید: نیازی نیست تا از طرح درس آماده شده‌ی کاملی پیروی کنید. اگر در وسط جلسه‌ی تربیت شنوایی فهمیدید که آنچه برای کودک آماده کرده‌اید بیش از اندازه آسان یا دشوار است، فعالیت را تغییر دهید تا با توانایی‌اش مناسب شود. برای مثال، اگر تمرین شناسایی واژه را با استفاده از شکل‌های جانوران طراحی کرده‌اید و این تمرین برای کودک بسیار آسان است، از او درباره‌ی جانوران، باغ-وحش یا جانوران خانگی پرسش‌های درکی بپرسید. اگر تمرین بیش از اندازه دشوار است، با مجموعه‌ی محدودتری ادامه دهید یا تمرینی در سطح تمایز ارائه کنید.

احتمالاً آماده کردن مواد آموزشی پیچیده پیش از جلسه‌ی تربیت شنوایی به زحمتش نمی‌آورد. اگر زمان آماده سازی نسبت به مدت فعالیت محرک/ پاسخ زیاد است (برای مثال، شناسایی واژه) پس آماده سازی، بیش از اندازه گسترده بوده. بجای آماده سازی شکل‌ها، بریده‌ها و اشیای پیچیده صرفاً آنچه لازم است را روی تخته سیاه یا برگه‌ای بنویسید یا بکشید.

سطح را بالا نگه دارید: اگر کودک می‌تواند در سطح بسیار بالاتر (مانند شناسایی) عمل کند، زمان بسیار زیادی را روی تمرین‌های شنیداری سطح پایین (مانند کشف صداهای گفتاری) صرف نکنید. به کودکان بیشترین تمرین‌ها را در بالاترین سطحی دهید که توانایی دارند. گاه‌گاهی برای به چالش کشیدن کودک از تمرین‌های سطح بالاتر استفاده کنید. هنگامی که مطمئن نیستید چرا کودکی موفق به دادن پاسخ درست نشده نخست از تمرین‌های سطح پایین‌تر به عنوان فعالیت‌های جبرانی استفاده کنید. همچنین ممکن است در خلال

کمک به اعتماد به نفس کودک در توانایی‌های گوش دادن، تکلیف شنیداری بیشتر تمرین شده‌ای را ارائه نمایید. برای مثال، بگویید «مهرداد، ممکنه کتاب را برداری» یا، «نیلوفر، در را باز کن».

به یاد داشته باشید، همیشه تلاش کنید هر جلسه ی تربیت شنوایی را با تمرینی که کودک می‌تواند موفق شود به پایان برسانید. این هدف نگرش مثبت به گوش دادن را حفظ خواهد کرد. از فعالیت‌هایی که بیشتر امتحان کرده‌اید و آنهایی که هر کودکی دوست دارد انجام دهد، استفاده کنید.

۱) با فعالیت *مقدماتی* کوتاهی آغاز کنید تا کودک را به گوش دادن علاقمند کنید. چیزی آسان مانند کشف صدا یا نامیدن واژه‌ای.

۲) فعالیت *اصلی* را که در آن چیز تازه یا دشواری را امتحان می‌کنید ارائه نمایید. دل را به دریا بزنید و کودک را برای انجام تمرین‌های شنوایی که ممکن است برایش ناآشنا باشد به چالش بکشید. برای مثال، به یاد آوردن سه دستور کلامی مرتبط، گفتن متضاد واژه‌ها یا پاسخ به پرسش‌های درکی پس از داستانگویی.

۳) با فعالیت *پایانی* کوتاهی نتیجه‌گیری کنید. برای

زیرنویس‌ها :

- 1- Signal to Noise Ratio
- 2- Unisensory
- 3- Multisensory

(روش ارائه‌ی محرک (گفتار) در شرایطی که تمام راهنمایی‌ها از کانال‌های شنیداری، دیداری، لمسی، حس عمقی و حس موقعیت و حرکت ساختارهای تولیدی [Kinesthetic] مجاز است.)

- 4- Negative Example
- 5- Disequilibrium

منابع:

- Erber N.P. (1982). *Auditory Training*. Washington D.C: Alexander Graham Bell Association for the Deaf.
- Gagné J.P., Jennings M.B.(2007). *Audiological Rehabilitation Intervention Services for Adults with Acquired Hearing Impairment*. In M.Valente, H. Hosford-Dunn, R. Roeser (Eds). *Audiology : Treatment*. (2nd ed) . Thieme Medical Publishers.
- McCaffrey H.(2004). *Techniques and Concept in Auditory Training and Speechreading*. In R. Rosser, M. Downs (Eds). *Auditory Disorders in School Children* . 4th Edition. Thieme Medical Publishers.